

## دم خروس و قسم حضرت عباس!

ح-آبکناری

بلند می فرستند!!

این البته همه از زیر چشمان لابد "نار" وزیر "محترم" اطلاعات و امنیت، شورای مصلحت نظام به ریاست سازمانده تعدیل اقتصادی حجت‌السلام هاشمی رفسنجانی و صدالبته آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای ولی فقیه به دور بوده است. و به "خداوندی خدا قسم" که روح بی‌گناه این حضرات، آیت‌الله‌های جفت و تاق، حجج اسلام و نفعه‌الاسلام‌ها و ایادی آن‌ها از این ماجراها خبر نداشته است. همچنین آن‌ها به "هیچ وجه" از وجود این چهارصد "مأمور امنیتی وزارت اطلاعات و امنیت" ناشناس و یاران "مرحوم حاج سعید امامی" که در این چند روزه از این محل به آن محل زیر چتر حفاظتی مأمورین محترم وزارت کشور آقای خاتمی به عزاداری و فاتحه خوانی مشغول‌اند اطلاعی ندارند، و شرعاً نمی‌توانند کسی را "مسئول" بدانند!! فقط نیروی انتظامی به این دلیل به محل‌های تجمع این عزاداران "امنیتی" اعزام شده و مانع ورود مردم به این مجالس سوگواری "حسین زمان" می‌شوند که چهره گریه قصابان خود را در وزارت اطلاعات و امنیت اسلامی شناسائی نکنند!!

سخن کوتاه کنیم و خود مطالب رسانه‌ها را برای ترسیم سیمای آیت‌الله‌ها و قضاوت شما جلوی رویتان باز می‌کنیم:

چاپ تهران و نه "صهیونیستی"، درباره این "خودکشی" مصلحتی از آنان می‌کنند، دهان‌شان بند آمده و لام تا کام حرفی نمی‌زنند. اما در میان هیاهوی بسیار و گرد و غبار اعتراضی و زهرخند علیه دست‌اندرکاران حکومتی از هر نوع آن با وجود دلایل مختلف‌شان، خاک سپاری، مراسم سیم و هفتم سعید امامی هم به نوبه‌ی خود افساء‌گر و تماشائی‌است!!

در این ده روزه که گذشته است، هر بار زیر چتر مأمورین حفاظت، مأمورین انتظامی و امنیتی، چهارصد تن از برادران وزارت اطلاعات و امنیت کشور اسلامی و خانواده و یاران داغدار "شهید مظلوم سعید امامی" گرد هم می‌آیند و او را با امام سوم شیعیان مقایسه می‌کنند و واژه از نامردی رهبران آه می‌کشند!!

در شرایطی که روزنامه «کیهان» چاپ تهران، ارگان چماق‌داران ولایت فقیه، "امامی خودکشی" کرده را جاسوس اسرائیل و سازمان سیا معرفی می‌کند و معتقد است او به وسیله "دست‌های پنهانی" در حکومت اسلامی رشد کرده و یک قلم هشت سال معاون امنیتی فلاحیان و سپس دری‌نجف‌آبادی وزاری وزارت اطلاعات و امنیت بوده! محفل چهارصد نفره برایش تحت عنوان "شهید مظلوم شیعه" صلوات

هنوز فقط ده روز از اعلام خبر "خودکشی" سعید امامی گذشته است. اما همین ده روز کافی بود تا سیمای دروغ‌پرداز نظام ولایت فقیه به طرز حیرت‌آوری برملا شود!

سخن از مخالفین رژیم جمهوری ایران نیست، این خودی‌ها هستند که برخی به ریشخند، پاره‌ای به اعتراض و بسیاری با پرسش، اصل "خودکشی" سعید امامی را زیرسؤال برده‌اند. برآیند همه‌ی مطالب چاپ شده در ایران اسلامی این است که همگان برآند آمرین قتل‌های زنجیره‌ای صرفاً برای تبرئه خود از مداخله مستقیم‌شان در کشتاری که خود به راه انداخته‌اند، جلاد دست‌پروده‌ی خود را به ناجوانمردانه‌ترین شکلی، همچون کشتار فجیع فرورها و نویسنده‌گان دگراندیش "گشتانده‌اند"!!

آن‌ها این عمل "اسلامی" را انجام داده‌اند که آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و دار و دسته‌ی آدم‌کش او چون فلاحیان و یزدی و دیگران را از انظار جهانیان به عنوان آمران اصلی پنهان کنند!! و از این طریق با سربه‌نیست کردن امامی، سروته پرونده خونین را به بندند!

بی‌مناسبت نیست که دست‌اندر کاران حکومت الله در مقابل انبوهی از چرائی‌هائی که رسانه‌های

### سعید امامی (اسلامی) که بود و چگونه او را "خودکشی" کردند؟

شده بود. در انتهای خبر، سردبیر مربوطه تذکر داده بود که: «سردبیران محترم رسانه‌های همگانی، با توجه به درخواست دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، در صورتی که تصاویری از متهمان پرونده در اختیار دارید، استفاده نفرمائید». «به این ترتیب یک‌بار دیگر سرخ ماجرا گم شد. سعید امامی (که پیش از این از او با نام مستعار سعید اسلامی یاد می‌شد) همان کسی بود که گفته می‌شد می‌تواند در معرفی مفتیان قتل‌های سال گذشته نقش بسیار مؤثری داشته باشد. او قریب به هشت سال معاونت امنیتی وزارت اطلاعات را (در دوران فلاحیان) بر عهده داشت. پس از یک

تعداد ۲۲ نفر به عنوان متهم در این پرونده تحت تعقیب قرار گرفته‌اند که بعد از تحقیقات لازم، برخی از آنان با سپردن وثیقه آزاد شده‌اند. ۲۳ نفر نیز به عنوان مطلع و گواه در این پرونده مطرح هستند. در جریان تحقیقات، سه نفر دیگر نیز اخیراً دستگیر شده‌اند که نتیجه متعاقباً اعلام خواهد شد.»

روزنامه «نشاط» ۲۱ خرداد ۷۸

خبر مربوط به "خودکشی" سعید امامی در ساعت ۱۲ و ۲۲ دقیقه روز شنبه ۲۹ خرداد توسط تلکس خبرگزاری ایرنا به مطبوعات ارسال شد که در آن اسامی چهارتن از عاملان اصلی قتل‌های اخیر منتشر

مؤثر واقع نشد. با توجه به مدارک موجود و اعترافات صریح سعید امامی، وی هیچ‌گونه راه فراری نداشت و اگر با این اتهامات به دادگاه می‌رفت، حکم او اعدام بود». او در ادامه گفت: «ابعاد گسترده قتل‌های اخیر هنوز کامل نشده است و تحقیقات و اعترافات صریح متهمان، یک مرحله اساسی از این پرونده را به پیش برده است. انگیزه طراحان این قتل‌ها این بوده است که نظام را در عرصه بین‌المللی و داخلی با مشکل مواجه کرده و مسئولان نظام و دولت را با این‌گونه مسائل درگیر کنند». او در مورد تعداد دستگیر شده‌گان گفت: «تاکنون

محمدنیازی رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح روز یکشنبه ۳۰ خرداد در گفت‌وگو با ایرنا گفت:

«عاملان اصلی با توجه به تحقیقات انجام گرفته مصطفی کاظمی، مهرداد عالیخانی، خسرو براتی و سعید امامی هستند». و افزود: «با وجود مراقبت‌های ویژه‌ای که از سعید امامی یکی از عوامل اصلی و محوری این قتل‌ها به عمل می‌آمد، وی روز شنبه ۲۹ خرداد در زمان استحمام در بازداشتگاه با خوردن داروی نظافت خودکشی کرد. وی پس از اقدام به خودکشی، بلافاصله به بیمارستان تخصصی منتقل شد، ولی تلاش‌های پزشکی برای نجات وی

افشاگری غیرمنتظره از سوی یکی دیگر از عاملان، وارد ماجرا شد و به چنان اعترافات دست زد که به گفته نیازی حکم او اعدام بود. سعیدامامی نه تنها در جریان پرونده قتل‌های پائیزی متهم ردیف یک بود بلکه بر اساس پاره‌ای شنیده‌ها در معرض اتهامات جدی‌تری نیز قرار داشت. اتهاماتی که برخی از مقام‌های عالی‌رتبه عنوان کرده و گفته بودند که در این ماجرا قطعاً دستان آلوده بیگانگان (بطور مشخص آمریکائیان و اسرائیلیان) در کار بوده است.»

**روزنامه «نشاط» در سوم تیرماه در ستون تریبون خود خواست تا عکس سعیدامامی را در اختیار مطبوعات بگذارند. در این مطلب آمده است:**

«تاکنون هیچ‌یک از روزنامه‌های کثیرالانتشار و حتی نشریات به اصطلاح تندرو، عکس و یا تصویری از وی و هم‌دستانش منتشر نکرده است تا مردم بدانند که این چهره خطرناک که بوده و احياناً با آن‌ها چه برخوردی داشته و رفقا و دوستان نزدیکش چه کسانی هستند و اکنون به چه کاری مشغولند؟ گفته می‌شود مطبوعات از درج عکس امامی منع شده‌اند. حتی اگر این ممنوعیت در زمان بازجویی و بازداشت وی موضوعیت داشت (که جای سؤال دارد)، حال پس از فوت وی چرا مردم نباید بدانند سعید اسلامی یا سعید امامی چه شکلی است؟ انتشار ندادن عکس امامی و دیگر متهمان از یک سو موجب می‌شود که مردم به دوستان گذشته خود که به دلایلی از آنان دور بوده‌اند، مشکوک شوند و از سوی دیگر همسایگان، اقوام و ... که احياناً در مراودات خانوادگی و شخصی مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند، در خواهند یافت که قاتلان انسان‌های بیگناه چه ظلم‌هایی بر آنان نیز روا داشته‌اند. و بالاخره انتشار عکس موجب خواهد شد که مطبوعاتی‌ها مطلع شوند که امامی به چه روزنامه و نشریاتی آمد و شد داشته و فعالیت‌های خود و دوستانش را با کدام شبکه مطبوعاتی هماهنگ می‌کرد و زمینه سازی‌های لازم را فراهم می‌آورده است.»

**روزنامه «نشاط» در شماره اول تیرماه خود در یادداشت سردیبر خود نوشت:** «پرونده قتل‌های زنجیره‌ای که یک چند به استناد پیچیدگی پرونده و

نیاز آن به بررسی مبسوط در محاق رفته بود، با حادثه‌ی مرگ عامل اصلی آن به مرحله‌ی جدیدی رسید و اسامی چهارتن از عاملان اصلی آن اعلام شد. با وجود این، رئیس قضائی نیروهای مسلح کماکان اعلام کرده ابعاد گسترده‌ی قتل‌های اخیر هنوز کامل نشده است و رسیدگی به این گونه پرونده‌ها که از پیچیده‌گی وسیعی برخوردار است، بسیار طول می‌کشد. پرسش این است که چگونه پرونده‌ی چند قتل که طراحان و مباشران آن دستگیر شده و اعتراف کرده‌اند، تا این حد پیچیده است که بررسی آن می‌تواند ماه‌ها و شاید سال‌ها به طول بیانجامد و حتی اعلام اسامی آنان پس از مرگ مشکوک عامل اصلی پرونده - که پیش‌تر خبر تظاهر به جنون او تکذیب شده بود - صورت گیرد، ولی سیزده نفر اقلیت مذهبی که معلوم نیست اساساً به چه نوع اطلاعات مهمی می‌توانسته‌اند دسترسی داشته باشند، تا قادر به انتقال آن باشند و در حالی که پرونده آنان در حال رسیدگی بدوی قضایی است، به فوریت جاسوس اعلام شده، حکم قطعی و غیرقابل معامله‌ی اعدام آنان به سادگی از طرف کسانی که هیچ سمت قضایی ندارند اعلام می‌شود؟»

**اکبرگنجی در یادداشت صفحه آخر روزنامه «صبح امروز» ۳۱ خرداد نوشت:** «خودکشی سعیدامامی پرسش‌های فراوانی برخواهد انگيخت. برخی از پرسش‌ها که باید رسماً به آن‌ها پاسخ گفته شود به قرار ذیل است: سوابق سعیدامامی چیست؟ سعیدامامی در چه زمانی وارد وزارت اطلاعات شد؟ سعیدامامی در زمان کدام وزیر ارتقا یافت؟ سعیدامامی با چه کسانی مرادده فکری داشت و متأثر از چه کسانی بود؟ مطبوعات تا چه زمانی باید به سکوت ادامه دهند و پرسش‌های مردم را منتشر سازند؟»

**روزنامه «همشهری» در شماره چهارشنبه ۲ تیرماه در ستون «در راهروهای مجلس» نوشت:** «خودکشی سعیدامامی از عوامل قتل‌های اخیر یکی از بحث‌های مطرح دیروز در راهروهای مجلس شورای اسلامی بود. از لابلای این بحث‌های شنیده شد که سعید امامی در گردهم آئی ائمه جمعه استان تهران که بیش از انتخابات

ریاست جمهوری تشکیل شده بود، سه ساعت در مخالفت با آقای خاتمی سخن گفته و از ائمه جمعه خواسته بود علیه وی تبلیغ کنند. کسانی که سخنان امامی را شنیده بودند، وی را سخن‌وری توانا و ماهر توصیف کردند. همچنین شنیده شد سعیدامامی که در آمریکا تحصیل می‌کرد، عضو فعال انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در آمریکا و کانادا بوده که همواره سعی در جذب مجموعه خاصی داشته است. وی همچنین اصرار زیادی برای مقدس جلوه دادن خود داشته و در تابستان‌ها وانمود می‌کرد که روزه می‌گیرد. سعید امامی که پس از انقلاب به ایران آمد، گفته بود در بازجویی سعیدی سیرجانی حضور داشته و در نمازهای مستحبی که می‌خوانده، سعیدی سیرجانی به وی اقتداء می‌کرده است. به نظر شماری از نماینده‌گان اعلام خیر خودکشی سعیدامامی در واقع اعلام ختم پرونده بوده است تا اعلام خیر خودکشی. همچنین در مجلس شنیده شد که رئیس جمهوری تا روز شنبه از موضوع خودکشی سعیدامامی بی‌خبر بوده است.»

**روزنامه «همشهری» در ستون «در راهروهای مجلس» روز پنج‌شنبه سوم تیرماه نیز نوشت:** «گفته می‌شود تعدادی از نماینده‌گان اقلیت‌های مذهبی در مجلس شورای اسلامی قصد دارند با ارائه نامه‌ای به وزیر اطلاعات، خواستار بازشدن پرونده قتل سه کشیش شوند که چند سال پیش توسط سه تن از منافقین کشته شدند. دلیل این خواسته دخیل بودن سعیدامامی (اسلامی) در این پرونده عنوان شده است. ظاهراً در زمان بررسی پرونده قتل سه کشیش، نماینده‌گان اقلیت‌ها در مجلس شورای اسلامی جلسه‌ی مواجهه‌ای با منافقین مزبور داشته‌اند که توسط سعیدامامی معاون وزیر اطلاعات وقت برای توجیه نماینده‌گان ترتیب داده شده بود. همچنین شنیده شده است که چهارشنبه گذشته ۲۶ خرداد ۷۸، پس از خودکشی سعیدامامی، وی بلافاصله به بیمارستان منتقل می‌شود و مورد مداوا قرار می‌گیرد. روز پنج‌شنبه پزشکان حال وی را رضایت‌بخش

تشخیص می‌دهند و اجازه مرخصی صادر می‌کنند ولی قرار می‌شود برای اطمینان بیشتر دو ساعت دیگر نیز در بیمارستان تحت مراقبت باشد. در فاصله این مدت وی ایست قلبی پیدا می‌کند و می‌میرد. برخی منابع نیز علت مرگ امامی را اشکالات تنفسی اعلام کرده‌اند.»

**روزنامه «سلام» در ۳۰ خرداد پیرامون سعیدامامی نوشت:** «وی در ابتدای پیروزی انقلاب به عنوان دانشجو در آمریکا مشغول به تحصیل بود و دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران مراجعت و همکاری رسمی خود را با وزارت اطلاعات آغاز کرده بود. در آن زمان گفته می‌شود که فردی که او را در وزارت اطلاعات گزینش می‌کرد، ابراز نظر کرده که او به هیچ‌وجه نباید در مسایل امنیتی در آن وزارت به کار گرفته شود. لیکن سعیداسلامی پس از چندی به بخش امنیتی آن وزارت راه می‌یابد بطوری که بعدها در زمان وزارت آقای فلاحیان به عنوان معاون امنیتی وزارت اطلاعات منصوب می‌گردد. همچنین شنیده شده است که یکی از شروطی که آقای خاتمی پیش از انتصاب آقای دری نجف‌آبادی به عنوان وزیر اطلاعات با وی در میان گذارده، عزل سعیداسلامی از این مقام بوده است. این شرط در طول تصدی آقای دری نجف‌آبادی در وزارت اطلاعات عملی نشد. همچنین گفته می‌شود که آقای هاشمی رفسنجانی نیز پس از آن‌که خیر ارتباط سعیداسلامی با قتل‌های اخیر را می‌شنود، اظهار تعجب کرده که چگونه سعیداسلامی همچنان مشغول فعالیت بوده است؟ شنیده شده که سعید اسلامی در تهیه برنامه‌هایی برای بی‌هویت جلوه دادن چهره‌های سیاسی و دگراندیش نیز نقش مؤثری داشته است.»

**نامه‌ی دری نجف‌آبادی به روزنامه «سلام»:** «۱- سعیدامامی در زمان مسئولیت بنده، مسئولیت امنیتی و اجرائی نداشته و قبل از بنده نیز از این مسئولیت کنار گذاشته شده بود. ۲- در زمان اینجانب نیز تنزل رتبه داده شد و به یک کار حاشیه‌ای و بدون مسئولیت اجرائی گمارده شد. ۳- شرط یا دستور از طرف ریاست محترم جمهوری در رابطه با عزل ایشان به بنده نرسیده بود. ۴- از زمانی که

متوجه شدم عاملین قتل‌ها از دوستان ایشان بوده‌اند، مجدداً ایشان نیز در اختیار کارگزینی قرار گرفت». روزنامه «سلام» در مورد بند ۳ از پاسخ وزیر سابق اطلاعات نوشت که این روزنامه در منبع خبر مزبور هیچ‌گونه تردیدی ندارد.

**روزنامه «سلام» برای خنثی کردن تلاش جناح ولی فقیه برای کلیدی نشان دادن نقش سعیدامامی در جریان قتل‌ها، در دوم تیرماه ۷۸ نوشت:** «در پرونده قتل‌ها افراد مهمتر از سعیدامامی هم هستند. این پرونده به چند نفری که دستگیر شده‌اند محدود نمی‌گردد و مقامات بالاتر از آن‌ها هم عملاً در این امر سهیم هستند. آن‌هایی که در این سال‌ها با آدرس غلط دادن به مردم و مسئولان در مورد خطر تهاجم فرهنگی و خطر مطبوعات، و حتی پس از وقوع قتل‌ها در پی محق جلوه دادن قاتلان بودند، اگر صادق‌اند باید در خط مشی خود بازنگری کنند».

**روزنامه «سلام» در مطلبی با عنوان «اعترافات سعیداسلامی را منتشر کنید!» در شماره اول تیرماه نوشت:** «در دوران آن وزیر (فلاحیان وزیر سابق اطلاعات) و این معاون (سعیداسلامی)، حوادث مهمی همچون اقدام برای فرستادن اتوبوس حاملان گروهی از روشنفکران و دگراندیشان به قعر دره و قتل‌ها و بازداشت‌های مشکوک صورت گرفت که نه تنها در ایران بلکه در خارج

از کشور نیز انعکاسی گسترده یافت. طبعاً هیچ فردی که با الفبای مدیریت در زمینه‌های اطلاعاتی و امنیتی آشنا نمی‌تواند بپذیرد که این اقدامات با چنین اهمیتی به دور از اطلاع و چشم وزیر صورت گرفته باشد. باید وزیری که چنین فردی را تا این حد ارتقاء داده است که به آن اقدامات انجامیده و ادامه آن در دولت فعلی به قتل‌های اخیر انجامیده است، توضیح دهد که آیا در جریان اقدامات چنین معاونی بوده یا نبوده است؟ اگر بی‌اطلاع بوده این بی‌اطلاعی جرم بدتر از گناه است و باید مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد انتشار اعترافات فرد مذکور می‌تواند مانع از موفقیتهای کسانی شود که در صدد این چنین القاء کنند که خودکشی سعیداسلامی برای این بوده که اطلاعات وی از طریق محاکمه پخش و منتشر نگردد، ضمن این‌که مردم کاملاً محق هستند که از این پرونده مرموز مطلع گردند».

**روزنامه «کیهان» ارگان باندهای وزارت اطلاعات که تاکنون در مورد قتل‌های سیاسی سکوت می‌کرد و با بطور غیرمستقیم به دفاع از قاتلین می‌پرداخت، پس از مرگ سعیدامامی سیاست خود را صدوهشتاد درجه تغییر داد و در باره سعیدامامی و قتل‌های سیاسی در روز پنج‌شنبه سوم تیرماه ۷۸ نوشت:** «گزارش‌های که در باره عملکرد سعیدامامی - عنصر کلیدی باند مخوفی که اقدام به خودکشی کرد - بدست آمده حکایت از آن دارد

که وی و همدستانش با برنامه‌های دقیق و از قبل پیش بینی شده در صدد مشوه کردن چهره انقلاب و نظام اسلامی بوده‌اند و از آن‌جا که سود این کار، فقط عاید دشمنان نظام و بیگانگان می‌گردد، نمی‌توان در وابسته بودن عناصر این گروه به اجانب تردید کرد. سعیدامامی توانسته بود به عنوان یک مهره نفوذی، اعتماد عده‌ای را جلب کند و سپس دست به اقداماتی بزند و هوشمندانه آن‌ها را به حساب نظام و انقلاب منظور کند. یکی از هدف‌های مهم این اقدام نیز می‌تواند بدنام کردن جریان اصول‌گرای معتقد به نظام و انقلاب باشد».

**روزنامه کیهان در ادامه تلاش خود برای جاسوس نشان دادن سعیدامامی، در مطلبی با عنوان "سلطان محمد" کیست در شماره سوم تیرماه ۷۸ نوشت:** «با روشن شدن ابعاد تازه‌تری از پرونده قتل‌های مشکوک، دخالت عوامل صهیونیستی در این ماجرا بلا تردید است. اطلاعات تازه‌ای که در باره سوابق سعیدامامی، متهم اصلی پرونده‌ی قتل‌های مشکوک به دست آمده، حاکی از آن است که نامبرده، در اوائل دهه هفتاد مخفیانه سفری به اسرائیل داشته است. همچنین گفته می‌شود که سعیدامامی بخش قابل توجهی از زندگی خود را همراه دانی‌اش در واشنگتن بسر برده و این نکته نیز گفتنی است که دانی وی به نام سلطان محمد اعتماد در سال ۵۶ وابسته نظامی رژیم شاه در آمریکا

## تک‌برگی راه کارگر

ن بوده است».

**عطاالله مهاجرانی سخنگوی دولت در ۳۱ خردادماه، خودکشی عامل اصلی قتل نویسنده‌گان را ناشی از عدم اتخاذ تدابیر امنیتی بیشتر در مراقبت از وی دانست و افزود:**

«با خودکشی سعیدامامی (اسلامی) پرونده قتل‌ها مختومه نشده و با توجه به دستگیری افراد دیگری در این مورد، پرونده پیگیری خواهد شد و اطلاعات لازم در این باره از سوی دادستان نظامی به آگاهی عمومی خواهد رسید».

**یونسی وزیر اطلاعات رژیم در روز سه شنبه اول تیرماه پیرامون "خودکشی" سعیدامامی گفت:**

«وزارت اطلاعات به محض اطلاع از خودکشی سعیدامامی معروف به سعید اسلامی، گروهی را مامور رسیدگی و مشخص کردن علت و انگیزه خودکشی کرد که بر اساس گزارش این گروه، پرونده بالینی بیمارستان و تعقیقات سایر کارشناسان، وی در یک لحظه فرصت پیش آمده در موقع استحمام خودکشی کرده است. خودکشی سعیدامامی اگر چه برای بسیاری از اطلاعات پرونده قتل‌های اخیر یک ضربه بود ولی به مسیر رسیدگی و تحقیقات پرونده آسیبی وارد نخواهد کرد. فرد خودکشی کرده و سایر متهمان، اطلاعات زیادی را ارائه کردند که در زمان لازم، قاضی مربرط و مرجع قضائی به اطلاع عموم خواهند رساند».

## "محفل" آدم‌کشان چند نفر عضو دارد و چگونه سازماندهی شده است؟

۴۰۰ نفر از طرفداران سعیدامامی و وابستگان به وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی در بعدازظهر چهارشنبه ۲ تیرماه، در مراسم ترحیم سعیدامامی در مسجد حجت بن الحسن واقع در خیابان سه‌رودی شمالی شرکت کردند. در این مراسم یک آخوند بنام بجرجد در باره سعیدامامی که از سوی مقامات قضائی بعنوان جاسوس اسرائیل معرفی می‌شود گفت: (امروز در فقدان عزیزی که به لقاء حق پیوسته است تجمع کرده‌ایم. حاج سعیدامامی مانند همه شریعت‌فصل را نوشید، اما مرگ پایان زندگی نیست و همه انسان‌ها پس از مرگ، زندگی جدیدی را آغاز می‌کنند). پیش از سخنرانی بجرجد یکی از حاضران در مراسم از جمعیت خواست بر شهدای مظلوم شیعه صلوات بفرستند. لازم به یادآوری است

نشانی دادند همگی پرسش‌اند و پاسخ می‌خواهند... چه شده است که برای معدومی که به بدنامی مرده است، مراسم گسترده ترتیب داده می‌شود و حتی برگزارکننده کسان

نشریه «همشهری» در شماره ۵ تیرماه خود پیرامون برگزاری مراسم گوناگون برای سعیدامامی در مطلبی تحت عنوان «چرا آدم‌کشان جسور شده‌اند؟» نوشت: مراسمی که دیروز

در مسجد جامع ضراب‌خانه برای سعیدامامی (اسلامی) برگزار شد و ترکیب کسانی که در این مراسم شرکت کردند و داعیه‌ای که سخنران آن مطرح کرد و واکنشی که حاضران

که برگزارکننده‌گان این مراسم از خبرنگاران خواستند تا از مراسم عکس‌برداری نکنند. همچنین در روز جمعه ۴ تیرماه حدود ۳۰۰ نفر از نیروهای امنیتی و آشنایان سعیدامامی در مسجد جامع ضراب‌خانه تهران مراسم هفت او را برگزار کردند. روح‌الله حسینیان قاضی دادگاه ویژه روحانیت و شرکت‌کننده در برنامه «چراغ» تلویزیون نیز در آن شرکت کرده بود. برای شرکت در این مراسم که مردم در آن شرکت نکرده بودند، هیچ‌گونه آگهی و اطلاعیه‌ای منتشر نشده بود. ولی از حضور گسترده‌ی نیروهای امنیتی و انتظامی که تمامی خیابان‌های اطراف محل را زیر کنترل گرفته بودند، معلوم بود که شرکت‌کننده‌گان از نیروهای امنیتی هستند.

بازجویی می‌کنند. جسارت کسانی که در مجلس شرکت کردند و بسیاری‌شان ملاحظه شهرت خود را نکردند، از اصل برگزاری مراسم ستوال برانگیزتر است. آیا معنای این حضور گستاخانه این نیست که عقبه سعیدامامی همچنان دست نخورده است و کسانی که او را به کار آدم‌کشی گماردند، هنوز پابرجا و قدرتمندند؟ آنچه در روزهای اخیر، پیرامون پرونده‌ی قتل‌های سازمان یافته و زنجیره‌ای رخ داده است هر شنونده و خواننده‌ای را متقاعد می‌کند که باید در پرونده «پرزوه وحشت» به دنبال ردپای مهره‌های درشت‌تری گشت. زیرا اگر غیر از این بود، علی‌القاعده می‌بایست با مرگ سعیدامامی که از سر بی‌دقتی یا فریب‌کاری عامل اصلی قتل‌ها معرفی شد، طومار محفل‌ها جمع می‌شد و طی سه روز شاهد سه محفل ۴۰۰ نفره در مسجد حجت‌ابن‌الحسن، بهشت‌زهره و مسجد جامع ضرابخانه نمی‌بودیم.

**سیدحسین موسوی تبریزی دادستان پیشین انقلاب اسلامی در مصاحبه با «همشهری» پیرامون مراسم سعیدامامی گفت:** «به نظر من در جامعه ما هنوز سیستم خبررسانی قوه قضائیه به مردم به شیوه‌ای اجرا نمی‌شود که بتواند اعتماد افکار عمومی را جلب کند. این معضل سال‌هاست که گریبان قوه قضائیه ما را گرفته است و نمونه بارز آن هم واکنش مردم در قبال خبرخودکشی سعیدامامی است که می‌توان این‌طور برداشت کرد که نه تنها خبر عامل اصلی بودن امامی، بلکه خبر خودکشی وی هم برای مردم غیرقابل باور است و البته عده‌ای از افراد و نهادهای حکومتی هم خبرخودکشی سعیدامامی را باور ناپذیر می‌دانند. مشکل اساسی این است که ما هنوز نمی‌دانیم که امامی جاسوس بوده یا صرفاً یک مجری دستور. اگر جاسوس بوده طبیعتاً قوه قضائیه پس از گذشت شش ماه می‌باید با ارائه دلایل و مدارکی متقن ماهیت ضدانقلابی وی را برای مردم افشا می‌کرد و اگر صرفاً دستور بوده که حکم او قطعاً حکمی جدا از یک جاسوس دارد و در واقع ما باید اول این مشکل را از ریشه حل کنیم. ... حضور افراد شناخته شده نظام در مراسم سعیدامامی جای پرسش دارد و

این افراد باید توضیح دهند که اگر واقعاً امامی و امثال او به خاطر هتک آبروی نظام در جامعه اغتشاش راه انداخته‌اند و با دستور گرفتن از کشورهای بیگانه کسانی را کشته‌اند، آیا باید در مجالس ختم آن‌ها شرکت کرد؟ و اگر همچنان معتقدند که این افراد گروهی مذهبی بوده‌اند و قربانیان آن‌ها کافرانی بوده‌اند که باید به مجازات می‌رسیده‌اند، باز هم این پرسش مطرح است که چرا مسئولین قضائی کشور از آن‌ها رفع اتهام نمی‌کنند؟ گفتن عبارت «مرگ مظلومانه» یا «فلاتی به لقالله پیوست» در چنین مراسمی ستوال برانگیز است.

**محمدرضا باهنر عضو هیئت رئیسه مجلس و از رهبران جناح ولأئی در این خصوص به «همشهری» گفت:** «مراسم یاد شده صرفاً از طرف خانواده امامی ترتیب داده نشده و کنترل عبورومرور و حفاظت از مراسم و حضور نیروهای امنیتی در مراسم کاملاً مشهود بوده است. طبیعتاً رنگ و بوی سیاسی دادن به این مسائل کار ممدوحی نیست و این افراد نباید با حضور و کنترل مراسم به آن صبغه‌ی سیاسی می‌داده‌اند. من با حضور حسینیان در مراسم ختم امامی موافق نیستم و این کار قطعاً غیرقابل توجیه است.»

**علی حسینی نماینده نهاوند در گفتگو با «همشهری» ۷ تیرماه ۷۸ گفت:** «تاکنون رسم بر این بوده از کسانی که در برابر نظام جمهوری اسلامی به مجازات اعدام محکوم می‌شدند تجلیلی به عمل نمی‌آمد و حتی کسانی که برای آن‌ها مراسم ترتیب می‌دادند به عنوان متهم مورد بازپرسی قرار می‌گرفتند. حال حضور برخی مسئولین نظام در مراسم ختم سعید اسلامی خدای نکرده این ستوال جدی را مطرح می‌کند که نکند بین شرکت‌کننده‌گان در مراسم و فرد مزبور ارتباطی وجود داشته است. حضور آقای حسینیان در مراسم ختم باعث شد که نسبت به سخنانی که تاکنون در مورد سعیداسلامی مطرح می‌شد، شک و تردید بوجود آید. ما امیدوار بودیم سازماندهی قتل‌ها در محفل ۴-۵ نفری محدود صورت گرفته باشد. ولی در حال حاضر با

این حرکت‌ها به نظر می‌رسد که حیطه آن محفل کمی بیشتر از آن محدوده‌ای است که ما فکر می‌کردیم.

**یک نماینده مجلس که نخواست نامش درج شود در گفتگو با «همشهری» در ۷ تیرماه ۷۸ گفت:** « فکر می‌کنم اگر روحانی دیگری چنین اقدامی می‌کرد جا داشت آقای حسینیان در دادگاه ویژه روحانیت سؤال کند که چطور در مراسم عامل اصلی قتل‌هایی شرکت کردی که از طرف رهبری به عنوان سرانگشت خارجی‌ها عنوان شد. وقتی یک فرد روحانی، قاضی و مسئول نظام در مراسم ختم عامل اصلی قتل‌ها شرکت می‌کند، معنای آن این است که با همه مسائلی که در رابطه با این فرد مطرح شده، قبول ندارد و یا آن عمل‌کردها را تأیید می‌کند.»

**روزنامه «سلام» در ۶ تیرماه نوشت:** «واضح است که مرگ سعیدامامی درست زمانی واقع شد که پرونده‌ی قتل‌های نفرت‌بار به نقاط حساس خود نزدیک می‌گردید و با هوشیاری مطبوعات این مرگ نه تنها پرونده را با بن بست مواجه نساخت بلکه انتشار بعضی از اخبار و پیگیری دلسوزانه و موشکافانه آن‌ها، حقایق تازه‌ای را به متن جامعه کشاند و امکان هرگونه توقف و حریم‌سازی برای طراحان اصلی و مباشران و بسترسازان و اذن‌دهنده‌گان را از بین برد. براین اساس فضای کنونی جامعه آن‌چنان تشنه‌ی ریشه‌یابی و گندزدایی است که به هیچ‌وجه به چیزی جز تحصیل نتیجه قطعی این پرونده رضایت نمی‌دهد و چنین انتظاری حاوی فشار روانی مضاعفی است که مسلماً عرصه را بر بزرگترهای سعیدامامی تنگ می‌کند، آنان در برابر جدی شدن سمت و سوی پرونده و اراده‌ی جامعه برای محاکمه کشیدن همه‌ی اجزای ریز و درشت و پیدا و پنهان ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای، خود را در عرصه‌ی جدال مرگ و زندگی می‌بینند و بعید نمی‌نماید که در آینده شاهد ماجراجویی و تشبث به روش‌های گوناگون در جهت انحراف افکار عمومی و تیره و تار ساختن فضای کشور از سوی آنان باشیم. کسانی که برای رسیدن به مقاصد خود از قتل و آدم‌ربائی و ایجاد فتنه ابایی ندارند و

برگزاری بعضی از مراسم در چند روز گذشته نشان داد که هنوز امکان بکارگیری و وارد عمل کردن محفل نشینان برای آن‌ها از بین نرفته است و آن‌ها در انتظار سرنوشت محتوم خود بی‌کار نخواهند نشست. از سوی دیگر باید اذعان نمود که هم‌اکنون ابعاد پرونده‌ی قتل‌های زنجیره‌ای به نقاطی از حساستت رسیده است که انتظار رفع و رجوع آن از جانب فقط مسئولین پرونده انتظاری قرین با واقعیت نیست و در چنین زمانی مسئولین عالی‌رتبه کشور باید با برخورد قاطع و فعالانه خود از ابتر شدن پرونده بواسطه‌ی وجود حریم‌های کاذب جلوگیری نمایند.»

**بیانیه روح‌الله حسینیان در باره شکرگش در مراسم ختم سعیدامامی:** «\* آنچه در مصاحبه‌های قبلی در «کیهان» و تلویزیون تحلیل‌نموده‌ام مربوط آقای موسوی(مصطفی کاظمی) بوده است و همه اطلاعات جدید هیچ تغییری را در اصل خبر وابستگی آقای موسوی به جبهه دوم خرداد به وجود نیآورده است و خوشبختانه آقای موسوی هنوز زنده است. \* - آن‌چه در مصاحبه تلویزیونی جناب آقای نیازی در مورد متهم (سعیدامامی) گفته شد این بود که شواهد و قرائنی دلالت بر دست داشتن سرویس‌های خارجی در ماجرای قتل‌های اخیر وجود دارد. همچنین وی افزود که از وقتی رابطه خارجی در این قتل‌ها به شکل جدی مطرح گردید وی انگیزه خودکشی پیدا کرد. کسانی که در امر قضائی و حقوقی مطلعند خوب می‌دانند شواهد و قرائن غیر از دلیل است \* - اتهام جاسوسی در حوزه دادسرا هرگز اثبات کننده جرم نیست. آن‌چه در قوانین جزائی و مدنی آمده است اثبات جرم در دادگاه است نه دادسرا. و پرونده آقای اسلامی هنوز به دادگاه نرفته است تا لوازم جاسوسی برای افراد قابل ملاحظه باشد. \* - با این مقدمات و اصل آزادی بنده حق دارم نسبت به سعیدامامی اصل استصحاب یا اصالت‌البرائنه را جاری کنم یا حق دارم ادعای هیچ‌یک از واردکننده‌گان اتهام را نپذیرم و مادامی که دادگاه صالحه مجرمیت متهم را به اثبات نرساند، از اصول اولیه حقوق فردی این جانب است که با متهم مانند یک فرد معمولی رفتار نمایم.»